

شناخت الگوی ادراکی روستای خوب براساس روش‌شناسی کیفی مطالعه موردی: روستای کرفس (شهرستان رزن- استان همدان)

سیدعلی بدری* - دانشیار دانشکده جغرافیا و عضو قطب علمی برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران
ناصر بیات- دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران
فاطمه عزیزی- دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران
سکینه بیگم حسینی رودبارکی- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، دانشگاه آزاد اسلامی

پذیرش نهایی: ۱۳۹۲/۸/۸

دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۱۱/۸

چکیده

برنامه‌ریزی توسعه نواحی روستایی، با در نظر گرفتن ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی، محیط زیستی، کالبدی، و نهادی و با درک واقع‌بینانه نیازهای روستاییان، مستلزم تغییر نگرش متولیان برنامه‌ریزی و ساختارشناسی در رویکردهای مرسوم است. پژوهش حاضر با هدف بازشناسی معیارها و شاخص‌های «خوب‌بودن» سکونتگاه روستایی، با رویکردی متفاوت به مفهوم «روستای خوب» نه از دیدگاه متخصصان بلکه با توجه به دیدگاه‌ها، آرمان‌ها، هنجارها، نیازها، خواسته‌های مشترک، و دلخواه ساکنان محلی می‌پردازد. تحقیق حاضر از نوع اکتشافی است و جامعه آماری آن، کل دانش‌آموزان دختر و پسر مقطع تحصیلی راهنمایی و دبیرستان روستای کرفس از توابع شهرستان رزن در استان همدان را شامل می‌شود. از تکنیک‌های روش کیفی (طرح سؤال به‌عنوان موضوع انشا و تحلیل آن) و کمی (پرسشنامه) برای گردآوری اطلاعات استفاده شد. در مرحله نخست تحلیل، انشاهای دانش‌آموزان با رویکرد تحلیل مقایسه‌ای مداوم در چارچوب سه مرحله (کدگذاری باز، کدگذاری محوری، و کدگذاری انتخابی) قرار گرفت. سرانجام ۱۲۴ مقوله اصلی شناسایی شده به‌عنوان ویژگی‌های روستای خوب از دیدگاه دانش‌آموزان در چارچوب ۱۸ مقوله اصلی دسته‌بندی شدند. در مرحله دوم به‌منظور سنجش وضعیت روستای کرفس براساس مقوله‌های استخراج‌شده، پرسشنامه‌ای برمبنای یافته‌های مرحله نخست در چارچوب طیف لیکرت طراحی گردید. یافته‌های پرسشنامه در بیشتر مقوله‌های اصلی، فاصله روستای مطالعه‌شده را با روستای خوب نشان می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: ادراکات انسانی، الگوی ادراکی، روستای خوب، روستای کرفس، روش‌شناسی کیفی.

مقدمه

آیا می‌توان برای مفهوم کیفی «خوب‌بودن» سکونتگاه‌های انسانی - به‌ویژه روستاها- شاخص‌ها و هنجارهایی تعمیم‌پذیر تعریف کرد؟ پژوهش حاضر به‌منظور پاسخ‌گویی به این پرسش، در پی شناخت ویژگی‌های «روستای خوب» از دیدگاه دانش‌آموزان روستایی است. در این تحقیق پس از درک وجوه مشترک ویژگی‌های روستای خوب و تعدیل افتراق معنایی فهم روستاییان از آن - به‌مثابه گروه هدف (جامعه غیرمتخصص)- و متخصصان - به‌مثابه راهنمایان برنامه‌ریزی و توسعه - تعمیم‌پذیری ویژگی‌های به‌دست‌آمده بررسی می‌شود. طبیعتاً دیدگاه قشر مشخصی از جامعه - در اینجا دانش‌آموزان مقطع راهنمایی و دبیرستان- به‌تنهایی نمی‌تواند بیانگر خواست و نظر کل جامعه باشد و سرانجام برآیند دیدگاه‌های همه اقشار و گروه‌های سنی مبنای عمل در برنامه‌ریزی توسعه با رویکرد جامعه‌محور خواهد بود. متخصصان توسعه و برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های روستایی از جمله جغرافی‌دانان، جامعه‌شناسان، اقتصاددانان، معماران، و طراحان کالبدی، در نوشتارها و کنش‌های حرفه‌ای‌شان مفاهیمی را برای هنجارها و شاخص‌های روستای خوب طرح می‌کنند که ساکنان روستا در تصورات ذهنی و آموزه‌های عملی‌شان با زبان دیگری از آن سخن می‌گویند. در این پژوهش سعی بر آن است تا در چارچوب دریافت بی‌واسطه دیدگاه‌های دانش‌آموزان روستایی و پیرایش تخصصی آن با تکیه بر اصل افتراق معنایی، اطلاعات به‌دست‌آمده در عرصه عمل کاربردی شود. همان‌طور که از عنوان پژوهش برمی‌آید، هدف آن است که شاخص‌های «خوب‌بودن» از دیدگاه دانش‌آموزان اکتشاف و استخراج شود. وجود نگرش‌های متفاوت از ویژگی‌های سکونتگاه خوب و به‌طور ویژه «روستای خوب» در شرایط مختلف از نظر اقتصادی، اجتماعی، پیشینه تاریخی و فرهنگی، محیطی، سیاسی، مدیریتی، و درجه توسعه‌یافتگی، طبیعی به نظر می‌رسد. بنابراین، نمی‌توان مدعی شد که نتایج حاصل از چنین مطالعاتی را می‌توان به‌طور کامل به دیگر موارد تعمیم داد. این تذکر، پذیرش تفاوت ادراکات، اندیشه‌ها و اصل نسبیّت را در مطالعات علوم اجتماعی و ازجمله جغرافیای انسانی گوشزد می‌کند.

مبانی نظری تحقیق

بررسی مطالعات روستایی نشان می‌دهد که تاکنون هیچ‌گونه مطالعه علمی، در ایران و دیگر کشورهای جهان، با عنوان «روستای خوب» انجام نشده است، اما در دهه‌های گذشته الگوهای دیگری چون «روستای مطلوب»^۱، «روستای نمونه»^۲، «روستای سالم»^۳، «روستای پایدار»^۴، و «اکوپلیج»^۵، در مناطق گوناگون جهان مطرح و بررسی شده‌اند. همه این مدل‌ها به‌نوعی در پی رسیدن به جامعه مطلوب، پویا، بهینه، و توسعه‌یافته بر پایه اصول پایداری و توسعه پایدارند و تأثیرپذیری از اندیشه آرمان‌شهرگرایی^۶ و رسیدن به سکونتگاه مطلوب، ویژگی برجسته اکثر آنهاست. در ادامه، کلیاتی درباره مدل‌های یادشده ارائه می‌شود.

روستای مطلوب: این مدل بیشتر در پژوهش‌های توسعه روستایی کشور هندوستان مطرح شده است (Sangameswaran, 2008, 384-408). «روستای مطلوب»، گونه‌ای از اجتماع روستایی است که دارای اقتصاد شکوفا، خودکفا، و پایدار است؛ انرژی مورد نیازش را از منابع انرژی پاک (مانند انرژی‌های خورشیدی، بادی، و آبی) تأمین می‌کند؛ منابع آب کافی و غیرآلوده به‌ویژه برای مصارف خانگی و آشامیدنی در اختیار دارد؛ روابط متعادل و سازنده‌ای با شهر و دیگر سکونتگاه‌ها دارد؛ و برخوردار از نظام آموزش، بهداشت و درمان کارآمد و باکیفیت (برای انسان و دام)، شبکه دفع فاضلاب، مرکز فناوری اطلاعات، بانک، پاسگاه پلیس، فروشگاه‌های تأمین‌کننده نیازهای خانوارها و کشاورزی، تلفن و انواع وسایل ارتباطی-رسانه‌ای، جاده و امکانات حمل‌ونقل مناسب و مانند آن است (Duenckmann, 2010, 284-295). سرتیپی‌پور معتقد است برای دستیابی به روستای مطلوب، لازم است مواردی چون: کنترل

1. Ideal Village
2. Model Village
3. Healthy Village
4. Sustainable Village Model (SVM)
5. Eco-Village
6. Utopianism

جمعیت و روستاگریزی؛ سازمان‌دهی سکونتگاه‌های روستایی و خدمات‌رسانی؛ احیای اقتصاد روستا و رونق فعالیت‌های اشتغال‌زا؛ حفاظت از عرصه‌های زیست‌محیطی و اجتماعی روستا؛ برنامه‌ریزی جامع کاربری اراضی؛ و مشارکت روستاییان در فرایند توسعه هدف قرار گیرد (سرتیپی‌پور، ۱۳۸۸، ۱۱۶-۱۱۵).

روستای نمونه: این الگو نیز که عمدتاً ریشه در پژوهش‌های توسعه روستایی کشور هند دارد، روستایی را به تصویر می‌کشد که در آن روستاییان به‌عنوان تصمیم‌گیرندگان، کنشگران و ذی‌نفعان اصلی توسعه همه‌جانبه، چندبخشی، و چندکارکردی به‌گونه‌ای عمل می‌کنند که سرانجام به توسعه پایدار دست یابند و با بهبود مداوم روندهای آینده، کیفیت زندگی را در همه ابعاد بهبود بخشند. روستای نمونه، سکونتگاهی مدرن و پیشرفته است که بر عدالت اجتماعی، ارزش‌های انسانی، و معنوی و اصول دموکراتیک و مدنی تکیه دارد (Development Organizations Network, 2006, 2).

روستای سالم: این تعریف ریشه در پروژه شهرهای سالم^۱ سازمان بهداشت جهانی^۲ دارد. پروژه شهر سالم بر این پایه استوار است که بالابردن سطح سلامت شهروندان از راه پرداختن به بخش‌های اقتصادی، اجتماعی، محیط‌زیست، و بهداشت و درمان امکان‌پذیر است. پروژه شهر سالم از کشورهای توسعه‌یافته صنعتی آغاز شد، و در کشورهای در حال توسعه به برنامه روستای سالم در نواحی روستایی انجامید. در برنامه روستای سالم در کنار توسعه اقتصادی، اجتماعی، محیط‌زیست، و بهداشت و درمان توجه ویژه‌ای به تأمین آب آشامیدنی بهداشتی، توسعه سیستم دفن زباله و شبکه دفع فاضلاب، و عوامل محلی مؤثر بر سطح سلامت روستاییان می‌شود. مهم‌ترین اهداف پروژه روستای سالم عبارت است از: بسیج اجتماعات و ذی‌نفعان روستایی به‌منظور مشارکت در فعالیت‌های توسعه؛ توانمندسازی و تقویت فرایند تصمیم‌گیری

1. Healthy City Project
2. World Health Organization (WHO)

محلی؛ بالابردن میزان آگاهی اجتماعات روستایی در زمینه‌های بهداشت و سلامت و عوامل مرتبط با آنها؛ توسعه و تجهیز پایه‌های محیطی و نیازهای اصلی افزایش سطح سلامت مردم؛ تسهیل همکاری میان بخش سلامت و بخش‌های دیگر در سطح محلی؛ اولویت‌بخشی به خدمات پایه و محیط زیست؛ و تشویق، ترویج، و بسیج منابع به‌منظور توسعه یک‌پارچه اقتصادی-اجتماعی. نپال، مصر، سریلانکا، و مالزی از کشورهایی هستند که برنامه روستای سالم در آنها اجرا شده‌است (Allahyari, 2010, 2).

روستای پایدار: این مدل برآمده از اهداف توسعه هزاره سازمان ملل متحد است. در دهه نخست هزاره سوم میلادی، انجمن توانمندسازی بین‌الملل^۱ با حمایت سازمان ملل متحد، پروژه‌هایی را با نام «روستای پایدار» در برخی از کشورهای در حال توسعه - به‌ویژه در کشورهای آفریقایی - آغاز کرد. این مدل بر دو پایه استوار است: ۱. فراهم‌آوردن خدمات پایه (بهداشت، آموزش، الکتریسته، آب آشامیدنی پاک و سالم، امنیت غذایی و مسکن)؛ و ۲. تجدید حیات اقتصادی (از طریق تأسیس مرکز خدمات روستای پایدار^۲ به‌منظور نظارت بر به‌کارگیری تکنولوژی‌های جدید و فراهم‌ساختن فرصت‌های شغلی در زمینه کسب‌وکارهای کوچک) (Empowerment Society International, 2008, 7).

اکوویلیج: به‌نظر می‌رسد در میان همه مدل‌هایی که دستیابی به بهترین وضعیت اجتماع روستایی را هدف قرار داده‌اند، مدل اکوویلیج گسترش بیشتری در سطح جهان یافته است. اروپا، امریکای شمالی و جنوبی، ژاپن و آسیای جنوب‌شرقی، اقیانوسیه، و آفریقا بیشترین توفیق را در به‌کارگیری و توسعه اکوویلیج داشته‌اند. شبکه اکوویلیج جهانی^۳ (GEN) همانند چتری حمایتی از گسترش اکوویلیج‌ها در جهان حمایت می‌کند. مهم‌ترین اهداف این شبکه، حمایت و

1. Empowerment Society International (ESI)
2. Sustainable Village Service Center
3. Global Eco-Village Network (GEN)

تشویق روند توسعه پایدار سکونتگاهی در سراسر جهان از طریق چنین راهکارهایی است: تسهیل تبادل دانش و اطلاعات درباره اکوویلیج‌ها در سراسر جهان؛ به اشتراک‌گذاری اطلاعات از طریق پایگاه اینترنتی؛ گسترش برنامه‌ها و فعالیت‌های اجتماعی مشترک بر پایه ارزش‌های بنیادین GEN؛ و تقویت همکاری‌ها و فعالیت‌های مشترک جهانی (gen.ecovillage.org).

گیلمن، اکوویلیج را چنین تعریف می‌کند: «سکونتگاهی انسان‌محور و کمال‌یافته که در آن فعالیت‌های انسانی بدون هیچ‌گونه آسیبی با محیط طبیعی یک‌پارچه شده، به‌طوری‌که از توسعه انسان سالم حمایت می‌کند و به‌خوبی می‌تواند برای آینده نامحدود باقی بماند» (Gilman, 1991, 1). سارگیسون، اکوویلیج را از گروه سکونتگاه‌ها یا اجتماع‌های آرمان‌گرا می‌داند که مردم آن در تلاش‌اند با همکاری جمعی، شیوه بهتری از زندگی را به نمایش بگذارند (Sargisson, 2007, 270). جانانان دوسون نیز بر این باور است که در مقایسه با بیشتر اقتصادهای محلی در سراسر جهان، اکوویلیج‌ها سطح پویایی بالاتری دارند. با این‌همه، هنگام پرداختن به موضوع «اکوویلیج» باید به این نکته بنیادی توجه کرد که اکوویلیج‌ها به‌طور گریزناپذیری با شبکه گسترده اقتصاد جهانی پیوند یافته و درون آن محصور شده‌اند (Dawson, 2006, 56). سرانجام، رابرت جی روزنتال^۱ در پاسخ به این پرسش که اکوویلیج چیست، می‌نویسد «امروزه نیاز روزافزونی به مدل‌های بهینه‌ای وجود دارد که بتوانند شرایط زندگی خوب و پایدار را برای انسان‌ها فراهم کنند. اکوویلیج یکی از این گونه مدل‌ها به‌شمار می‌آید که ضمن آنکه در پی پایداری محیط زیست است، به پایداری اجتماعی، اقتصادی، و کمال‌یابی معنوی انسان نیز توجه دارد» (Findhorn Foundation, 2005, 1).

روستای خوب^۲. بدون پرداختن به خواسته‌ها، نیازها، حساسیت‌ها، دغدغه‌ها، اهداف، و آرمان‌های جامعه روستایی نمی‌توان بستر مناسبی را برای دستیابی جامعه روستایی به ترقی،

1. Robert J. Rosenthal
2. Good Village

پیشرفت، و توسعه فراهم ساخت. در علم جغرافیا این دیدگاه بیشتر تحت تأثیر مکتب جغرافیای رفتارگرا^۱ یا جغرافیای رفتار فضایی است؛ که بیان می‌کند: ادراکات انسانی و نقشه‌ها و تصاویر ذهنی مردم از محیط زندگی‌شان اهمیت بسیاری در تحلیل‌های جغرافیایی دارد (Gershmehl, 2008, 96). در واقع تصویر ذهنی برای جغرافی‌دان به منزله میانجی میان انسان و محیط عمل می‌کند، بدین‌سان که افراد و گروه‌ها در جغرافیای شخصی‌شان به جست‌وجوی اطلاعاتی از تصویر ذهنی خود برمی‌آیند تا هم‌شکلی و هم‌خوانی آن را با جهان عینی و واقعی بیابند (افتخاری و همکاران، ۱۳۹۱، ۵۵). از این‌رو در چارچوب جغرافیای ذهنی افراد، هنجارهای کیفی سکونتگاه‌های انسانی با ویژگی‌های گوناگونی یافت می‌شود. میزان رفاه اقتصادی؛ سطح توسعه اجتماعی و فرهنگی؛ کیفیت و کمیت دسترسی به تسهیلات و امکانات رفاهی و زیرساختی؛ ساختار نظام مدیریتی؛ و ویژگی‌های کالبدی از نظر ریخت، کارکرد، ادراک، شهود، و زیست‌بوم (بهزادفر و دیگران، ۱۳۸۸، ۱۱۲)، در کنار عوامل دیگر اهمیت بالایی در این زمینه دارند. از این‌رو، باید بررسی کرد که هنجار خوب بودن سکونتگاه روستایی چگونه در ویژگی‌های گوناگون بازتاب می‌یابد.

برای درک و دریافت درست این موضوع لازم است به پرسشی بنیادین در این زمینه پاسخ گفت: «تلقی و برداشت کلی روستانشینان از روستای خوب چیست؟». پیش از هر چیز، برای رسیدن به پاسخی روشن در این زمینه باید به شناخت کافی از مفهوم کیفی «خوب بودن»^۲ به‌ویژه در مورد سکونتگاه‌های انسانی دست یافت. «خوب بودن»، ارزشی اجتماعی و فرهنگی است که معادل‌سازی آن برای صفات فضاهای روستایی می‌تواند با نیازهای عینی و ذهنی ساکنان روستا پیوند داشته باشد. از نخستین کسانی که به تبیین مفهوم واژه خوب پرداخته‌اند،

1. Behavioral Geography
2. Goodness

می‌توان از ارسطو یاد کرد. وی پیوند استواری میان این مفهوم با اخلاقیات جامعه برقرار می‌کند (Schoeman, 1985, 85-89). به عقیده کریز، مفهوم «خوب» بیشتر بر ارزش‌ها و اخلاقیات تأکید دارد و با پیشینه تاریخی، فرهنگی-اجتماعی، و اقتصادی جامعه، ویژگی‌های فردی و خانوادگی، و سطح آگاهی افراد مرتبط است (Kriz, 2007, 6). طبیعی است که افراد مختلف با توجه به شرایط گوناگون زیستی، فرهنگی، اجتماعی، و ویژگی‌های فردی‌شان، برداشت‌ها و دلایل گوناگونی از مفهوم خوبی در ذهن دارند (Wilkinson, 2006, 488). آنچه در این مقوله اهمیت بسیاری دارد، میزان اشتراک، تفاهم و نزدیکی افراد در خصوص این موضوع و به‌ویژه در یک اجتماع است. افزون بر اینها، مفهوم خوبی بیانگر نوعی ویژگی یا شاخص مثبت است (Anderson, 2008, 85).

در طول تاریخ جهان، تفکر آرمان‌شهرگرایی از مهم‌ترین تلاش‌های فکری اندیشمندان در ارائه بهترین شرایط سکونتگاهی برای زیست انسان‌ها به‌شمار می‌آید (زرین‌کوب، ۱۳۷۷، ۲۲۲). کوین لینچ^۱ (۱۹۸۱)، متخصص نامدار معاصر در شهرسازی، برنامه‌ریزی، و طراحی محیطی نخستین کسی بود که مفهوم خوب را در مورد سکونتگاه انسانی به‌کار برد. وی در معروف‌ترین کتاب خود با نام «نظریه شکل شهر خوب»^۲ می‌نویسد: «سکونتگاه انسانی زمانی خوب است که هویت فرهنگی‌اش را تداوم و بهبود بخشد؛ زمینه بقا و پایداری زیستی جمعیت را فراهم سازد؛ احساس پیوستگی زمان و فضا را افزایش دهد؛ امکان رشد فردی و اجتماعی را به‌وجود آورد؛ پیوسته رو به توسعه گام بردارد، و ارتباطات درونی و بیرونی مناسبی داشته باشد» (Lynch, 1981, 117).

کارایی مناسب در همه زمینه‌ها و عدالت نیز دو ویژگی اصلی نظریه لینچ در خصوص شهر خوب به‌شمار می‌آیند. اما در اینجا منظور از «روستای خوب» سکونتگاه مطلوب و موردنظر

1. Kevin Lynch
2. Theory of Good City Form

متخصصان نیست؛ بلکه منظور روستایی است که برپایه شاخص‌های موردنظر ساکنان با واژگانی چون «توسعه‌یافته» یا «پیشرفته» تعریف و توصیف می‌شود و شایسته زیست و سکونت انسان روستایی مدرن است. به عبارت دیگر، براساس اهداف نظری این پژوهش متخصص توسعه سکونتگاه‌های روستایی، «دانای کل» نیست که بر همه ضرورت‌ها و مصلحت‌های جامعه روستایی تمام و کمال آگاه باشد و بهترین راه‌حل‌های دستیابی به آنها را بشناسد بلکه «روستای خوب» سکونتگاه یا زیستگاهی است که با توجه به دیدگاه‌ها، آرمان‌ها، هنجارها، معیارها، نیازها، خواسته‌های مشترک، و دلخواه اکثریت ساکنان آن با صفت «خوب» شناخته می‌شود. بنابراین، مفهوم کیفی «خوب‌بودن» در بستر تجربه‌ها و آگاهی‌های مردمی شکل می‌گیرد که در محیط روستا زندگی می‌کنند و در تعامل تنگاتنگ با فضای جغرافیایی و اجتماعی این‌گونه نواحی قرار دارند. با این‌همه، با توجه به این‌که عموم مردم روستا کارشناس توسعه نیستند، نمی‌توان پرسش‌گری را با تکیه بر مفاهیم تخصصی برگرفته از دانش آنها انجام داد، بلکه باید از روستاییان درخواست کرد با واژگانی که برای‌شان شناخته‌شده و ملموس است، ویژگی‌ها، صفت‌ها، و متغیرهای هنجار خوب‌بودن را بیان کنند.

به‌سخن دیگر، لازم است ویژگی‌ها، صفت‌ها، و معیارهای خوب‌بودن آن‌گونه که در ذهن مردم تصویرسازی شده‌اند با زبان خودشان بازگو شوند و پس از آن، پژوهشگر با واژگان تخصصی به آنها پردازد و شناخت روشنی از خواسته‌های ایشان به‌دست دهد. بدین ترتیب می‌توان شاخص‌های موجود در نوشتارهای علمی را از نو بازبینی، دسته‌بندی و اولویت‌بندی کرد و حتی شاخص‌های تازه‌ای را بر پایه خواسته‌های مطلوب ذی‌نفعان تعریف و جایگزین ساخت.

روش‌شناسی تحقیق

نوبودن موضوع تحقیق سبب شد که در فرایند پژوهش و گردآوری داده‌های مورد نیاز آن از

روش اکتشافی استفاده شود (شکل ۱)، چراکه در اصل این روش - و روش‌های مانند آن- برای بررسی موضوعاتی که متغیرهای آن ناشناخته مانده‌اند و نیز برای آشکارساختن معانی‌ای که افراد به تجربه‌های‌شان می‌دهند، به کار گرفته می‌شوند (ازکیا و ایمانی جاجرمی، ۱۳۸۴، ۴۵). از این رو با توجه به موضوع پژوهش و شیوه‌های به کاررفته در گردآوری داده‌ها، از روش تحلیل مقایسه‌ای مداوم، که در نظریه بنیانی^۱ بارنی گلیزر^۲ و آنسلم اشتراوس^۳ کاربرد دارد، استفاده شد. انجام سه مرحله کدگذاری باز، محوری، و انتخابی اساس این روش است (Daymon and Holloway, 2002, 123). برای گردآوری اطلاعات از تکنیک‌های روش کیفی (طرح سؤال به عنوان موضوع انشا و تحلیل آن) و روش کمی (پرسشنامه) استفاده شد. برای این منظور از دانش‌آموزان مشارکت‌کننده خواسته شد به این پرسش پاسخ دهند که ویژگی‌های روستای خوب در «ابعاد گوناگون» از نظر آنها چیست و پاسخ‌شان را به‌طور تشریحی به صورت انشا ارائه کنند.

این مرحله از پژوهش در بازه زمانی مهرماه ۱۳۹۰ تا خردادماه ۱۳۹۱ انجام شد. جامعه آماری پژوهش شامل دانش‌آموزان مقاطع آموزشی راهنمایی و دبیرستان روستای کرفس است. طی جلساتی که میان گروه پژوهشگر و مدیران و دبیران آموزشگاه‌های راهنمایی و دبیرستان روستای کرفس برگزار شد، هماهنگی‌های لازم به منظور انجام مطالعه میدانی و انشانویسی دانش‌آموزان در مورد پرسش اصلی پژوهش، انجام گرفت. برای اینکه متن انشاهای بیانگر دیدگاه و نگرش دقیق مشارکت‌کنندگان درباره ویژگی‌های روستای خوب باشد، تمهیداتی از جمله همکاری دبیران آموزشگاه‌ها و برگزاری مسابقه و اختصاص جایزه نقدی برای ۱۰ مورد از بهترین انشاهای نوشته شده، در نظر گرفته شد. در نهایت از کل ۳۵۰ نفر دانش‌آموز مقطع

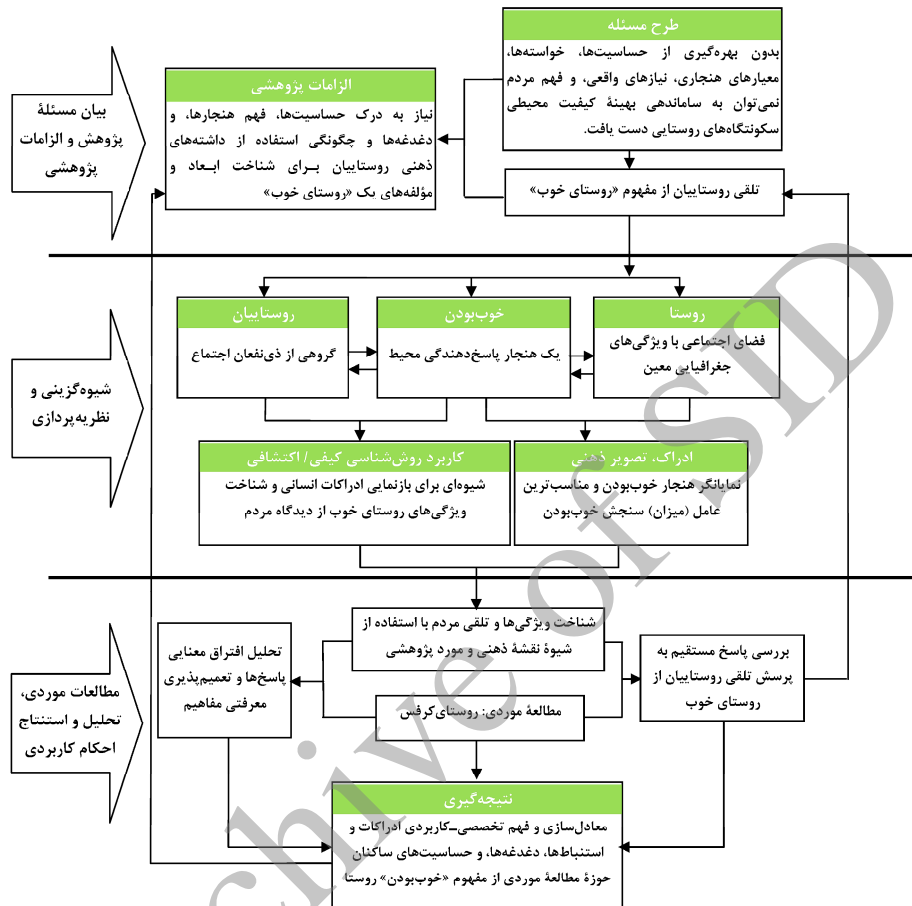
1. Grounded Theory Method
2. Barney G. Glaser
3. Anselm L., Strauss

راهنمایی و دبیرستان روستای کرفس تعداد ۲۵۲ انشا دریافت شد. براین اساس، ۷۲ درصد دانش‌آموزان در تحقیق مشارکت کردند. از مجموع انشاهای دریافتی ۲۱۸ مورد (۸۶/۵ درصد) معتبر شناخته شد.

در ادامه کار، متن انشاهای دریافتی به روش کدگذاری باز^۱ تجزیه و تحلیل شد. کدگذاری باز شامل فرایند تجزیه، بررسی، مقایسه، مفهوم‌سازی، و دسته‌بندی داده‌هاست، که در آن، داده‌های گردآوری شده به دقت خوانده می‌شوند و به اجزای مختلف تجزیه می‌گردند؛ سپس این اجزا با یکدیگر مقایسه می‌شوند و آنهایی که دربرگیرنده مفهوم یکسانی هستند، تحت عنوان یک مقوله خلاصه می‌شوند (Boeije, 2009, 96). سپس روش کدگذاری محوری^۲ که خلاصه‌کردن بیشتر داده‌ها تحت عنوان مقوله‌های اصلی است (Goulding, 2002, 69)، به کار رفت.

در گام سوم، کدگذاری انتخابی^۳ برای دسته‌بندی مقوله‌های استخراج شده در مقولات هسته‌ای^۴ یا محورهای تخصصی مرتبط با قلمرو مطالعات روستایی استفاده شد. در مرحله بعدی به منظور تطبیق و سنجش وضعیت ویژگی‌های ذکر شده برای «روستای خوب» در مقیاس روستای کرفس، پرسشنامه‌ای تدوین شد و تعداد ۲۲۰ پرسشنامه در سطح دانش‌آموزان مقاطع راهنمایی و دبیرستان روستای کرفس توزیع گردید که پس از جمع‌آوری ۱۹۷ پرسشنامه به دست آمد. برای سنجش میزان توافق پاسخگویان و تجزیه و تحلیل داده‌های پرسشنامه در مورد وضعیت روستای کرفس از نظر تک‌تک ویژگی‌های اشاره شده برای روستای خوب، از آزمون T تک‌نمونه‌ای^۵ استفاده شد.

1. Open Coding
2. Axial Coding
3. Selective Coding
4. Core Category
5. One Sample Run Test



شکل ۱. مدل مفهومی تحقیق

معرفی روستای مورد مطالعه

روستای کرفس واقع در بخش قروه در جزین از توابع شهرستان رزن در استان همدان است و در شمال شرقی این استان قرار دارد. فاصله روستا تا شهر رزن ۳۶ کیلومتر و تا مرکز استان همدان ۱۲۰ کیلومتر است. از نظر مختصات جغرافیایی روستای کرفس در ارتفاع ۲۰۰۰ متری

از سطح آب‌های آزاد و طول جغرافیایی $49^{\circ}17'55''$ و عرض جغرافیایی $35^{\circ}21'50''$ جای گرفته و دارای موقعیت کوهپایه‌ای است. معیشت اکثر ساکنان روستا مبتنی بر کشاورزی با محوریت زراعت است. زبان محلی مردم روستای کرفس ترکی آذری است و از نظر دینی مسلمان و شیعه مذهب‌اند. براساس آخرین آمارهای جمعیتی، ۴۴۶۴ نفر، متشکل از ۱۰۱۹ خانوار در این روستا سکونت دارند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰).

یافته‌های پژوهش

ادراکات دانش‌آموزان روستایی از ویژگی‌های «روستای خوب»

در مرحله نخست پژوهش ۲۱۸ انشا از دانش‌آموزان روستای کرفس به‌دست آمد. ۱۰۸ انشا (۴۹/۵۴ درصد) را پسران و ۱۱۰ انشا (۵۰/۴۶ درصد) را دختران دانش‌آموز نوشته بودند، که در مجموع ۸۹ نفر (۴۰/۹ درصد) از آنها در مقطع راهنمایی و ۱۲۹ نفر (۵۹/۱ درصد) در مقطع دبیرستان تحصیل می‌کردند. برای تحلیل انشاها از سه مرحله کدگذاری باز، کدگذاری محوری، و کدگذاری انتخابی، در چارچوب روش تحلیل مقایسه‌ای مداوم، استفاده شد. نتایج فرایند بدین شرح است: در مرحله نخست، کدگذاری باز به شیوه تجزیه جمله‌به‌جمله متن انجام شد و در نهایت ۲۵۳۳ شرح‌واره^۱ از کل انشاها استخراج گردید. در مرحله دوم با استفاده از روش کدگذاری محوری با دسته‌بندی و ادغام شرح‌واره‌هایی که همگرایی مفهومی^۲ داشتند، در مجموع ۱۲۴ مقوله محوری استخراج گردید. در مرحله پایانی به روش کدگذاری انتخابی مجموع ۱۲۴ مقوله شناسایی شده، زیرمجموعه ۱۸ مقوله اصلی - یا مقوله هسته‌ای- قرار گرفت. برای اعتباربخشیدن به فرایند کدگذاری، از دیدگاه تعدادی از متخصصان مطالعات روستایی در حوزه جغرافیا و جامعه‌شناسی بهره گرفته شد. در جدول ۱ خلاصه یافته‌های این مرحله از پژوهش نشان داده شده است.

1. Memo

2. Conceptual Convergence

جدول ۱. استخراج، اکتشاف، و دسته‌بندی ویژگی‌های روستای خوب

کدگذاری انتخابی / ۱۸ مقوله اصلی	← کدگذاری محوری / ۱۲۴ مقوله
اشتغال‌زایی و توسعه شغلی	۱. تنوع شغلی در روستا؛ ۲. برخورداری مردم روستا از درآمد و پس‌انداز کافی؛ ۳. برابری در دسترسی به فرصت‌های شغلی و عدم تبعیض جنسیتی و گروهی؛ ۴. توانایی جذب سرمایه‌های بیرونی به‌منظور افزایش فرصت‌های شغلی؛ ۵. اشتغال مکمل برای غلبه بر بیکاری فصلی کشاورزان؛ ۶. برخورداری از پتانسیل جذب نیروهای تحصیل‌کرده و سرمایه‌های انسانی؛ ۷. بهره‌مندی مداوم از آموزش‌های شغلی و فنی و حرفه‌ای
توسعه کشاورزی	۱. کشاورزی پیشرفته مبتنی بر دانش و تکنولوژی مناسب؛ ۲. منابع آب کافی و زمین حاصل‌خیز در حد کافی؛ ۳. آبیاری با روش‌های نوین و پیشرفته؛ ۴. بازاریابی مناسب محصولات کشاورزی؛ ۵. تولید محصولات صادراتی با ارزش افزوده بالاتر؛ ۶. بهره‌وری مناسب عوامل تولید کشاورزی؛ ۷. برخورداری و بهره‌مندی از تعاونی تولید کشاورزی؛ ۸. یک‌پارچگی زمین‌های کشاورزی؛ ۹. انبارداری محصولات کشاورزی برای عرضه بهنگام به بازار؛ ۱۰. تنوع در تولید کشاورزی
خوداتکایی اقتصادی	۱. وابستگی اندک به دولت و نهادهای دولتی از نظر اقتصادی؛ ۲. افزایش خوداتکایی اقتصادی از طریق صنعتی‌سازی و توسعه دیگر زمینه‌های مختلف اقتصادی
سبک زندگی	۱. نفی تجمل‌گرایی و مصرف‌گرایی در زندگی؛ ۲. اهمیت‌دادن به تغذیه سالم و کافی؛ ۳. اختصاص بخشی از پس‌انداز به مسافرت‌های تفریحی، سیاحتی، و زیارتی؛ ۴. ارج نهادن به ارزش‌های دینی و نیازهای معنوی؛ ۵. اهمیت‌دادن به ورزش و سلامت جسم و روان
کیفیت زندگی	۱. برخورداری از آزادی‌های فردی و اجتماعی؛ ۲. بالابودن سطح سلامت و بهداشت همگانی مردم؛ ۳. برابری و عدالت اجتماعی؛ ۴. بالابودن میزان رضایت از زندگی؛ ۵. برخورداری از احساس امنیت فردی و اجتماعی؛ ۶. برخورداری از پوشاک و تغذیه سالم و کافی؛ ۷. امکان پیشرفت برابر برای مردان و زنان؛ ۸. زندگی در محیط سالم و بهداشتی
سرمایه اجتماعی	۱. دانش و تحصیلات عمومی بالا؛ ۲. اعتماد به یکدیگر در روابط اجتماعی؛ ۳. مشارکت مردم در امور جمعی؛ ۴. همیاری و همکاری متقابل مردم؛ ۵. ارتقای میزان احساس مسئولیت اجتماعی؛ ۶. بهره‌مندی از امنیت فردی و اجتماعی؛ ۷. نوع‌دوستی
روابط متعادل شهر و روستا	۱. روابط بیرونی متعادل و سازنده با شهر و دیگر سکونتگاه‌ها؛ ۲. راه ارتباطی مناسب با شهر و سکونتگاه‌های روستایی دیگر
نداشتن مسائل اجتماعی	۱. نبود افراد معتاد به مواد مخدر؛ ۲. پایین‌بودن سطح جرم و ناهنجاری اجتماعی؛ ۳. پایین‌بودن میزان طلاق؛ ۴. نبود فقر در روستا

ادامه جدول ۱. استخراج، اکتشاف، و دسته‌بندی ویژگی‌های روستای خوب

کدگذاری انتخابی / ۱۸ مقوله اصلی	← کدگذاری محوری / ۱۲۴ مقوله
توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات	۱. آشنایی مردم با ابزارها و فناوری‌های نوین ارتباطی؛ ۲. دسترسی آسان به اینترنت و خدمات شبکه‌ای؛ ۳. بهره‌مندی از خدمات مراکز ارتباطات و اطلاعات
امکانات و دسترسی‌ها	۱. برخورداری از فروشگاه‌های کافی؛ ۲. مرکز بهداشتی و درمانی مجهز؛ ۳. وجود امکانات انتقال سریع بیماران به بیمارستان در مواقع ضروری؛ ۴. مکان‌ها و امکانات ورزشی کافی برای زنان و مردان؛ ۵. برخورداری از مکان‌های تفریحی عمومی؛ ۶. دسترسی به فرهنگسرا یا مرکز فرهنگی؛ ۷. دسترسی به مرکز دامپزشکی؛ ۸. وجود پارک و زمین بازی برای کودکان و نوجوانان؛ ۹. برخورداری از مدرسه‌های مجهز و مدرن آموزشی برای دختران و پسران؛ ۱۰. دسترسی مناسب به بانک و مؤسسه‌های مالی و اعتباری؛ ۱۱. دسترسی به کتابخانه عمومی مجهز؛ ۱۲. دسترسی به مرکز سوخت (پمپ بنزین)؛ ۱۳. سالن اجتماعات عمومی / یا مکانی برای گردهمایی مردم روستا؛ ۱۴. دسترسی مناسب به پاسگاه پلیس؛ ۱۵. وسایل حمل‌ونقل مناسب و کافی
مدرنیته /نوگرایی	۱. نوگرایی فکری-فرهنگی و ابزاری؛ ۲. قانون‌گرایی؛ ۳. عقل‌گرایی؛ ۴. روحیه پیشرفت‌خواهی و اندیشه ترقی در مردم روستا؛ ۵. نفی تقدیرگرایی؛ ۶. آگاهی از دستاوردهای نوین علمی؛ ۷. باورها و اعتقادات درست و منطقی و نفی باورهای خرافی؛ ۸. رشد فرهنگ پس‌انداز مالی؛ ۹. نفی تقلید کورکورانه در زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی
احساس تعلق مکانی	۱. احساس تعلق و دلبستگی به محل زندگی؛ ۲. پاس‌داشت هویت و فرهنگ محلی؛ ۳. نام‌گذاری کوچه‌ها و خیابان‌ها و مکان‌های عمومی براساس هویت تاریخی و اجتماعی-فرهنگی روستا
توسعه گردشگری	۱. برخورداری از جاذبه‌های گردشگری؛ ۲. برخورداری از امکانات لازم برای پذیرایی از گردشگران؛ ۳. مهمان‌نوازی و خون‌گرمی مردم در برخورد با گردشگران
محیط زیست	۱. دفن بهداشتی زباله‌ها در مکان مناسب؛ ۲. تفکیک انواع زباله از مبدأ؛ ۳. دفع آب‌های سطحی از معابر روستا؛ ۴. حفاظت از گونه‌های گیاهی و جانوری؛ ۵. استفاده اندک از سموم آفت‌کش و مواد شیمیایی در کشاورزی؛ ۶. نبود بوهای ناخوشایند زباله و فضولات دام و مانند اینها؛ ۷. تولید محصولات سالم و بهداشتی؛ ۸. بهره‌برداری بهینه از مراتع؛ ۹. حفاظت از خاک و جلوگیری از فرسایش آن؛ ۱۰. سکوت و آرامش و نبود آلودگی صوتی؛ ۱۱. بهداشت محیط روستا در برابر عوامل بیماری‌زا؛ ۱۲. آگاهی مردم از ارزش‌های محیط زیست و حفاظت از آن؛ ۱۳. پاکیزگی کوچه‌ها و خیابان‌ها؛ ۱۴. برخورداری از چشم‌اندازهای زیبای طبیعی؛ ۱۵. جنگل‌کاری و توسعه فضای سبز؛ ۱۶. برخورداری از هوای پاک؛ ۱۷. حفاظت و بهره‌برداری بهینه از منابع آب

ادامهٔ جدول ۱. استخراج، اکتشاف، و دسته‌بندی ویژگی‌های روستای خوب

کدگذاری انتخابی / ۱۸ مقولهٔ اصلی	← کدگذاری محوری / ۱۲۴ مقوله
توسعهٔ کالبدی و زیرساختی	۱. مکان‌گزینی در مکان مناسب؛ ۲. زیرساخت‌های مناسب (آب، برق، گاز، تلفن)؛ ۳. مکان‌یابی فعالیت‌های دامداری و تولیدی خارج از بافت کالبدی روستا؛ ۴. پیاده‌روهای سنگفرش با عرض مناسب؛ ۵. شبکهٔ دسترسی مناسب و نظام‌مند؛ ۶. عرض مناسب خیابان‌ها و کوچه‌ها؛ ۷. توسعهٔ زیرساخت‌ها و جاده‌های مناسب در مزارع؛ ۸. پارکینگ عمومی برای خودروها و ماشین‌آلات کشاورزی؛ ۹. آسانی رفت‌وآمد خودرو در بافت کالبدی؛ ۱۰. شیب مناسب معابر؛ ۱۱. بهسازی مسیر عبور رودخانه از روستا؛ ۱۲. برخورداری از شبکهٔ دفع فاضلاب؛ ۱۳. لوله‌کشی بهداشتی و سالم آب آشامیدنی و مصارف خانگی
توسعهٔ مسکن و معماری	۱. مقاوم‌سازی مسکن و آسیب‌پذیری اندک در برابر بلاهای طبیعی؛ ۲. اختصاص زمین کافی به کاربری‌های لازم در محوطه‌های مسکونی؛ ۳. روشنایی معابر و نورپردازی مناسب در شب؛ ۴. استفاده از مصالح ساختمانی مناسب و مقاوم در ساخت‌وساز؛ ۵. توجه به شرایط جغرافیایی و آب‌وهوایی در ساخت‌وساز؛ ۶. رعایت اصول زیبایی در معماری مسکن و ساخت مکان‌های عمومی
مدیریت روستایی	۱. نظارت مؤثر بر فرایند توسعهٔ کالبدی روستا؛ ۲. شایسته‌سالاری در انتخاب مدیریت روستا؛ ۳. توجه به تصمیم‌گیری جمعی و مشورت با مردم؛ ۴. قانون‌مداری مدیران روستا؛ ۵. مشروعیت و مقبولیت مردمی مدیران روستا؛ ۶. به‌کارگیری نیروها و امکانات دائمی در پاکیزگی و زیباسازی روستا؛ ۷. میانجی‌گری مؤثر و عادلانه در حل اختلافات مردم؛ ۸. توجه به زمینه‌های اقتصادی در مدیریت روستا؛ ۹. نظارت بر سلامت محیط زیست و توسعهٔ فضای سبز
همیاری خانوار	۱. مشارکت جمعی افراد خانواده در فعالیت‌های اقتصادی و تأمین معیشت خانوار

منبع: یافته‌های پژوهش

تطبیق و سنجش وضعیت روستای کرفس با «الگوی ادراکی روستای خوب»
در این مرحله نتایج مرحلهٔ نخست، مبنای طراحی پرسشنامهٔ تحقیق قرار گرفت. بنابراین ۱۲۴ مقولهٔ محوری به‌عنوان ادراکات دانش‌آموزان از ویژگی‌های روستای خوب در چارچوب گویه‌هایی در طیف لیکرت قرار گرفت، تا وضعیت روستای کرفس در خصوص ۱۸ مقولهٔ اصلی روستای خوب ارزیابی شود. نتایج تحلیل داده‌های ۱۹۷ پرسشنامهٔ گردآوری‌شده با استفاده از

آزمون T تک‌نمونه‌ای در جدول ۲ آمده است. ارزش t با توجه به طیف پنج‌گزینه‌ای، برابر با عدد ۳ به‌عنوان میانه مطلوب محاسبه شد. برپایه یافته‌های مندرج در جدول ۲، خلاصه یافته‌های این بخش از پژوهش را می‌توان چنین بیان کرد:

- سطح معناداری محاسبه‌شده در ناحیه آلفای ۵ درصد برای همه مقوله‌ها توافق معنادار نگرش همه پاسخگویان را در خصوص وضعیت مقوله‌های هجده‌گانه در روستای مطالعه‌شده نشان می‌دهد.

جدول ۲. نتایج آزمون t تک‌نمونه در ارتباط با هریک از مقولات روستای خوب

سطح معناداری	مقدار t	خطای استاندارد	انحراف معیار	میانگین	ارزش t	
۰/۰۰۰	۵۸/۶	۰/۲۶۷۳	۱/۷۵	۲/۲۲	۳	اشتغال‌زایی و توسعه شغلی
۰/۰۰۰	۶۹/۸	۰/۴۰۸۳	۵/۷۳	۲	۳	توسعه کشاورزی
۰/۰۰۰	۴۱/۸	۰/۱۰۹۱	۱/۲۲	۲/۲۵	۳	خودانکایی اقتصادی
۰/۰۰۰	۶۰/۴	۰/۲۷۹۰	۱/۴۱	۳/۳۶	۳	سبک زندگی
۰/۰۰۰	۶۳/۹	۰/۳۵۵۱	۱/۲۸	۲/۷	۳	کیفیت زندگی
۰/۰۰۰	۶۱/۶	۰/۳۴۷۹	۱/۵۸	۳/۰۵	۳	سرمایه اجتماعی
۰/۰۰۰	۵۱/۵	۰/۱۷۰۶	۱/۳۹	۲/۹	۳	توسعه گردشگری
۰/۰۰۰	۴۲/۴	۰/۱۳۴۰	۱/۱۸	۲/۸	۳	روابط شهر و روستا
۰/۰۰۰	۶۳/۶	۰/۱۶۶۸	۱/۳۴	۲/۶۵	۳	نداشتن مسائل اجتماعی
۰/۰۰۰	۳۸/۴	۰/۲۰۵۲	۲/۸۸	۲/۶	۳	توسعه ICTs
۰/۰۰۰	۴۴/۵	۰/۶۴۴۳	۱/۶۵	۱/۹۱	۳	امکانات و دسترسی‌ها
۰/۰۰۰	۵۲/۰	۰/۴۳۴۹	۱/۱۰	۲/۵۲	۳	مدرنیته/نوگرایی
۰/۰۰۰	۶۷/۴	۰/۶۷۱۰	۱/۴۱	۲/۶۵	۳	محیط زیست
۰/۰۰۰	۵۸/۳	۰/۵۳۶۶	۱/۵۳	۲/۴	۳	توسعه کالبدی و زیرساختی
۰/۰۰۰	۴۷/۱	۰/۱۶۵۳	۱/۳۲	۲/۶	۳	احساس تعلق مکانی
۰/۰۰۰	۵۲/۹	۰/۳۳۴۲	۱/۳۳	۲/۹۵	۳	توسعه مسکن و معماری
۰/۰۰۰	۴۷/۶	۰/۴۴۱۷	۱/۴۲	۲/۳۳	۳	مدیریت روستایی
۰/۰۰۰	۳۷/۹	۰/۰۸۹۰	۱/۲۵	۳/۳	۳	همیاری خانوادگی

منبع: یافته‌های پژوهش

- در ۳ مقوله از ۱۸ مقوله اصلی، ارزش t کمتر از میانگین است. این ۳ مقوله شامل «سبک زندگی»، «سرمایه اجتماعی»، و «همیاری خانوادگی» است. این میانگین نشان می‌دهد که از دیدگاه پاسخگویان، وضعیت سه مقوله گفته شده در مقایسه با سایر مقوله‌ها بهتر است.
- در ۱۵ مقوله از ۱۸ مقوله اصلی روستای خوب، میانگین کمتر از ارزش t است، که شامل اینهاست: اشتغال‌زایی و توسعه شغلی، توسعه کشاورزی، خوداتکایی اقتصادی، کیفیت زندگی، توسعه گردشگری، روابط شهر و روستا، توسعه مسکن و معماری، احساس تعلق مکانی، توسعه کالبدی و زیرساختی، محیط زیست، مدرنیته/نوگرایی، امکانات و دسترسی‌ها، توسعه ICTs، نداشتن مسائل اجتماعی، و مدیریت روستایی. این وضعیت از دیدگاه پاسخگویان نامطلوب بودن وضعیت روستای مطالعه شده را در خصوص این ۱۵ مقوله نشان می‌دهد.
- مقوله «وضعیت امکانات و دسترسی‌ها» بیشترین فاصله را از ارزش t دارد، به طوری که ارزش t برابر با ۳ و میانگین مقوله گفته شده ۱/۹۱ است. بنابراین در مقایسه با دیگر مقوله‌ها، از دیدگاه پاسخگویان، روستای مطالعه شده از نظر برخورداری از انواع امکانات و دسترسی‌ها در بدترین وضعیت قرار دارد.
- در مقوله‌های «توسعه گردشگری»، «توسعه مسکن و معماری»، و «روابط متعادل با شهر و دیگر روستاها» میانگین پاسخ‌ها به ارزش t نزدیک است. بنابراین، این سه مقوله در مقایسه با دیگر مقوله‌هایی که میانگین پاسخ‌های مربوط به آنها به مراتب کمتر از ارزش t یا عدد میانه است، وضعیت بهتری دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

پارادایم نو در برنامه‌ریزی توسعه پایدار، پاس‌داشت ارزش‌های انسانی، عدالت اجتماعی، احترام به دیدگاه ذی‌نفعان برنامه‌های توسعه و مشارکت عملی آنها در فرایند تصمیم‌گیری را لازمه

دستیابی به جامعه انسانی پویا و پایدار می‌داند (Birkeland, 2012, 23). از ویژگی‌های مشترک دیدگاه‌های حاکم بر این پارادایم، نقد اثبات‌گرایی در علوم اجتماعی و تأکید بر اهمیت نسبت در ارزش‌های جوامع و نگرش‌های انسانی است. این دیدگاه‌ها با رویکرد مردم‌سالارانه و جامعه‌محور در زمینه توسعه، طراحی شاخص‌ها با مشارکت مردم را در دستورکار قرار می‌دهند (E. Keefe, 2009, 10). پژوهش حاضر نیز با بهره‌گیری از ادراکات و آگاهی‌های جامعه محلی، به شناسایی مجموعه ویژگی‌های روستای خوب در ابعاد مختلف پرداخت، و در ادامه با استفاده از همان ویژگی‌ها وضعیت روستای محل سکونت مشارکت‌کنندگان در پژوهش را از دیدگاه خودشان ارزیابی کرد. یافته‌های پژوهش، مهم‌ترین مقوله‌ها و موضوعات کنونی در پژوهش‌های روستایی را تأیید می‌کند. براساس این یافته‌ها، اهمیت ۱۸ مقوله اصلی روستای خوب به شرح زیر است:

- «اشتغال‌زایی و توسعه شغلی» از پایه‌های اصلی توسعه اقتصادی - اجتماعی و پایداری سکونتگاه‌های روستایی است. توسعه شغلی در نواحی روستایی بر آن دسته از کسب‌وکارهایی تمرکز دارد که برای جمعیت روستایی شغل فراهم می‌کنند و به عرضه کالاها و خدمات روستایی می‌انجامند (Bosworth, 2012, 503).
- بخش کشاورزی همچنان بخش غالب در اقتصاد روستایی ایران و اغلب نواحی جهان و به‌ویژه کشورهای در حال توسعه است. گرچه درهم‌تنیدگی اقتصاد روستایی با کشاورزی در دهه‌های اخیر و با تغییر در پارادایم‌های توسعه‌ای تحولات اساسی و مهمی یافته، اما اهمیت «توسعه کشاورزی» در توسعه روستایی همچنان به‌قوت خود باقی است (نوری زمان آبادی و امینی فسخودی، ۱۳۸۶، ۲۶۷).
- «خوداتکایی اقتصادی روستایی» شرایطی است که در آن جامعه محلی با تکیه بر توانمندی‌های اقتصادی‌اش و برقراری روابط متعادل با دیگر سطوح اقتصادی می‌تواند بقای خود را تضمین کند و همچنین بستری است که شرایط لازم را برای توسعه اقتصاد روستایی فراهم می‌سازد (Nel and Binns, 2000, 367).

- «سبک زندگی» مفهوم گسترده‌ای است که در سطوح گوناگون تحلیل می‌شود، و امروزه به‌مثابه شاخصی برای جهانی‌شدن فرهنگ قلمداد می‌شود (نجارزاده، ۱۳۹۱، ۱۶۹). به‌طور ساده می‌توان گفت که سبک زندگی مجموعه فعالیت‌های روزمره، نگرش‌ها، عادت‌ها، شیوه مصرف، نحوه لباس پوشیدن، غذا خوردن، گذران اوقات فراغت، رفتارها، تعاملات اجتماعی و مانند آن است که زندگی افراد و جوامع را دربرمی‌گیرد. از دیدگاه جنسن، امروزه در اغلب جوامع ایجاد تغییر در سبک زندگی لازمه دستیابی به توسعه پایدار است (Jensen, 2007, 36).
- «کیفیت زندگی» مفهومی است که بر عوامل مؤثر بر شرایط زیستی انسان دلالت دارد و بهبود آن، رضایت، سلامت، شادی، آسایش، آرامش، و امنیت را برای انسان فراهم می‌سازد؛ و دارای ابعاد فیزیکی، اجتماعی، روان‌شناختی، محیطی، و اقتصادی است (پورطاهری و همکاران، ۱۳۹۰، ۱۶). به‌طور مثال، توسعه شهرهای کوچک از طریق ارتقای روستاها به شهر، به‌عنوان یکی از سیاست‌های اصلی بهبود کیفیت زندگی نواحی روستایی در ایران مورد توجه قرار گرفته است (رضوانی و همکاران، ۱۳۸۹، ۳۳).
- «سرمایه اجتماعی» از مهم‌ترین اشکال سرمایه است که با تکیه بر مفاهیمی چون اعتماد اجتماعی؛ و شبکه روابط سازمانی، درون‌گروهی و نهادی زمینه انسجام، همبستگی و مشارکت مؤثر مردم در فرایند توسعه - از جمله توسعه روستایی - را فراهم می‌آورد.
- «توسعه گردشگری» از برجسته‌ترین راهبردهای کنونی توسعه روستایی است، که از آغاز دهه ۱۳۸۰ به‌تدریج وارد مطالعات توسعه روستایی ایران شده است.
- «روابط شهر و روستا» به‌واسطه مجموعه‌ای از جریان‌ها از جمله جریان افراد، فناوری، سرمایه، منابع و اطلاعات تعریف می‌شود (سعیدی، ۱۳۸۲، ۷۱). تعادل بخشی به این جریان‌ها سبب می‌شود که شهر و روستا تأثیرات مثبتی بر یکدیگر بگذارند.
- کاهش «مسائل اجتماعی» چون فقر، اعتیاد، جرم، و ناهنجاری با بهبود شرایط زیستی انسان و ایجاد اجتماع سالم از جمله در نواحی روستایی پیوند تنگاتنگ دارد.

- رشد شتابان استفاده از «فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات (ICT)» بر همه ابعاد زندگی انسان تأثیر گذاشته است، به طوری که دسترسی مردم روستا به این‌گونه فناوری‌ها در شرایط کنونی به یکی از مهم‌ترین نیازها و ابزارهای لازم برای توسعه روستایی بدل شده است (Bakhshizadeh et al., 2011, 254).
- «تسهیل دسترسی به انواع امکانات و خدمات» فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی - مالی، بهداشتی درمانی، سیاسی- اداری، اطلاعاتی، ارتباطی و مانند آن همواره بخش اصلی و جدایی‌ناپذیر برنامه‌ریزی توسعه روستایی بوده است. براساس یافته‌های پژوهش حاضر یکی از مهم‌ترین کاستی‌های روستای مطالعه‌شده مربوط به این موضوع است.
- موضوع «مدرنیته» یا تجدد و تقابل آن با ویژگی‌های سنتی جوامع هنوز از بنیادی‌ترین مباحث توسعه در ایران و از جمله در نواحی روستایی است. انجام فعالیت‌های آموزشی- فرهنگی، و آگاهی‌بخشی و تعمیق درک عناصر زندگی مدرن می‌تواند مشکلات مدرنیته نامتوازن در روستاها را برطرف سازد (حبیب‌پورگتابی و صفری شالی، ۱۳۹۰، ۷).
- «محیط زیست» بستر اصلی دستیابی به توسعه پایدار به‌ویژه در نواحی روستایی است. در این پژوهش نیز مقوله محیط زیست در کانون توجه مشارکت‌کنندگان قرار گرفته و بیشترین مقولات محوری (۱۷ محور) مربوط به این موضوع است. مشکلات کنونی محیط زیست روستایی ایران ناشی از آن است که رویکرد مبتنی بر توسعه پایدار در برنامه‌های توسعه روستایی وجود ندارد و آن هم به دلیل خلأ چارچوب نظری توسعه و فقدان رویکرد کارآمد در زمینه مشارکت مردم در برنامه‌ریزی‌هاست (حسن‌زاده و ایزدی، ۱۳۸۸، ۲۷).
- «توسعه کالبدی و زیرساختی» از بنیان‌های دستیابی به توسعه پایدار روستایی است و سبب کاهش آسیب‌پذیری جوامع روستایی، افزایش رفاه و کیفیت زندگی، بهبود دسترسی به امکانات، و خروج روستاها از انزوای جغرافیایی می‌شود (B. Barrios, 2008, 1).
- باتوجه به نگرش‌های مختلف و تفاوت رشته‌های گوناگون علمی، تعریف‌های متعددی از

«احساس تعلق مکانی» وجود دارد، اما سه ویژگی دل‌بستگی مکانی، وابستگی مکانی، و هویت مکان را در بیشتر تعاریف می‌توان یافت (Arifwidod and Chandrasiri, 2013, xxx). در دهه‌های گذشته، احساس تعلق مکانی از موضوعات مهم توسعه مکان‌محور و محلی، روان‌شناسی محیطی و جغرافیای انسانی بوده است (Lengen and Kistemann, 2012, 1168).

- «توسعه مسکن و معماری» با نیازهای اساسی انسان پیوند دارد. آسیب‌پذیری بخش عمده مسکن روستایی ایران و نابسامانی ساخت‌وسازهای جدید در طراحی، اندام‌ها، عناصر عملکردی و کیفیت ساخت و اجرا (زندیه و حصاری، ۱۳۹۱، ۶۳) و همچنین کم‌توجهی به شرایط اقلیمی و جغرافیایی، هویت اجتماعی-فرهنگی و عناصر زیبایی‌شناختی از مهم‌ترین مشکلات مسکن روستایی به‌شمار می‌آیند.
- «مدیریت روستایی» باید درک توسعه محلی، متجلی ساختن ابتکارها، جمع‌گرایی، و مشارکت را در دستورکار خود قرار دهد و توانایی تحلیل مشکلات اقتصادی و اجتماعی و زیست‌محیطی فضاها را نیز داشته باشد (مطیعی لنگرودی، ۱۳۸۲، ۲۳۰-۲۲۹). نگاهی به تحولات مدیریت روستایی در ایران نشان می‌دهد که این نهاد هنوز نتوانسته است به ثبات لازم برای تحقق وظایف خود دست یابد و با مشکلاتی مانند تغییرات قوانین، ابهام در جایگاه قانونی و وظایف و کمبود منابع مالی و انسانی مواجه است (ایمانی جاجرمی و عبدالهی، ۱۳۸۸، ۲۲۳).
- همپاری از ویژگی‌های کهن جوامع روستایی به‌شمار می‌آید که گرچه تحت تأثیر تحولات اجتماعی مدرن و افزایش فردگرایی دگرگون شده، ولی هنوز تداوم دارد و به‌رغم تنوع و تفاوتی که با گذشته پیدا کرده، دارای کارکرد است (طالب، ۱۳۷۹، ۱۰۵). همپاری در سطوح مختلف، از جمله سطح بهره‌برداری‌های کشاورزی سنتی (مانند بنه) نمونه بارزی در این زمینه به‌شمار می‌آید. در این پژوهش مقوله «همپاری خانوادگی» به‌عنوان یکی از ویژگی‌های مثبت «روستای خوب» در کانون توجه مشارکت‌کنندگان تحقیق قرار گرفته است.

در پژوهش انجام‌شده، ۱۲۴ مقوله محوری در چارچوب ۱۸ مقوله هسته‌ای اشاره‌شده به‌عنوان ادراک و دریافت مشارکت‌کنندگان از ویژگی‌های روستای خوب مطرح شد. بدیهی است که این ویژگی‌ها در پیوند با آگاهی‌ها و دغدغه‌ها و تصویر ذهنی افراد مشارکت‌کننده از روستای محل زندگی‌شان شکل گرفته است. سنجش و مقایسه این ویژگی‌ها در روستای مطالعه‌شده نشان می‌دهد که از دیدگاه مشارکت‌کنندگان، روستای کرفس تنها در سه مقوله «سبک زندگی»، «سرمایه اجتماعی»، و «همیاری خانوادگی» در سطح متوسط قرار دارد و ۱۵ مقوله اصلی دیگر کم‌وبیش وضعیتی کمتر از متوسط دارند.

برنامه‌ریزی جامعه‌محور و مشارکتی این نوید را می‌دهد که با بهبودبخشی ویژگی‌های اشاره‌شده از جانب مشارکت‌کنندگان می‌توان به وضعیت مطلوب و دلخواه جامعه محلی دست یافت. هرچند یافته‌های این پژوهش تعمیم‌دانی به کل روستاهای کشور نیست، اما از نظر جامعه محلی کم‌وبیش شکاف‌های مشابهی میان وضع موجود و وضع مطلوب در روستاهای دیگر کشور نیز مشاهده می‌شود. مشارکت روستاییان در روند برنامه‌ریزی و در پیش گرفتن رویکردهای جامعه‌محور و مشارکتی می‌تواند به کاهش این شکاف کمک کند.

تشکر و قدردانی

از آقای جمشید امینی و دبیران آموزش و پرورش روستای کرفس آقایان حمیدرضا امینی، مرتضی امینی، یونس نظری، و خانم‌ها فاطمه آذرکمال، طاهره اسدی، لیلا خلیلی، و شهناز صحرايي؛ همچنین دانش‌آموزان مدارس مقطع راهنمایی و دبیرستان روستای کرفس که در انجام این پژوهش گروه پژوهشگر را یاری کردند، سپاس‌گزاریم.

منابع

ازکیا، مصطفی و حسین ایمانی جاجرمی، ۱۳۸۴، بررسی جامعه‌شناختی عوامل کارایی شوراهای اسلامی شهر، نامه علوم اجتماعی، زمستان، شماره ۱۱ (۴)، پیاپی ۲۶، صص. ۳۶-۶۴.

سیدعلی بدری و همکاران ————— شناخت الگوی ادراکی روستای خوب براساس روش‌شناسی کیفی ...

استراوس، انسلم و جولیت کربین، ۱۳۹۰، مبانی پژوهش کیفی فنون و مراحل تولید نظریه‌ی زمینه‌ای، ترجمه‌ی ابراهیم افشار، نشر نی، تهران.

افتخاری، عبدالرضا رکن‌الدین؛ بدری، سیدعلی؛ پایدار، ابوذر؛ سوادی، علی اصغر، ۱۳۹۱، تحلیل ادراکات روستاییان از پیشرفت زندگی، و ابعاد و موانع آن (مطالعه‌ی موردی: روستای دوساری دشت جیرفت)، پژوهش‌های روستایی، سال سوم، شماره‌ی دوم، صص. ۷۳-۵۱.

ایمانی جاجرمی، حسین؛ عبداللهی، مجید، ۱۳۸۸، بررسی تحولات مدیریت روستایی در ایران از مشروطیت تا زمان حاضر، راهبرد، شماره‌ی ۵۲، شماره‌ی ۱۸، صص. ۲۲۴-۲۲۱.

بهزادفر، مصطفی؛ مجید نادری و حمیده فروزانگهر، ۱۳۸۸، تلقی شهروندان از کوچه‌ی خوب و معیارهای شکل‌دهنده‌ی آن: مطالعه‌ی موردی شهروندان تهرانی، نشریه‌ی هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی، شماره‌ی ۴۰، صص. ۱۲۰-۱۱۱.

پورطاهری، مهدی؛ افتخاری، عبدالرضا؛ فتاحی، احدا، ۱۳۹۰، ارزیابی کیفیت زندگی در نواحی روستایی (مطالعه‌ی موردی: دهستان خاوه‌ی شمالی، استان لرستان)، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره‌ی ۷۶، صص. ۳۱-۱۳.

حبیب‌پورگتابی، کرم؛ صفری‌شالی، رضا، ۱۳۹۰، بازخوانی تجربه‌ی مدرنیته‌ی روستایی در ایران (مطالعه‌ی موردی: روستاهای استان مرکزی)، فصلنامه‌ی علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، سال یازدهم، شماره‌ی ۴۱، صص. ۳۷-۷.

حسن‌زاده، داوود؛ ایزدی جیران، اصغر، ۱۳۸۸، بررسی جایگاه توسعه‌ی پایدار در اجتماعات روستایی ایران، نامه‌ی علوم اجتماعی، ۱۷(۳۶)، صص. ۵۵-۲۷.

مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰، سرشماری عمومی نفوس مسکن ایران.

رضوانی، محمدرضا؛ منصوریان، حسین؛ احمدی، فاطمه، ۱۳۸۹، ارتقای روستاها به شهر و نقش آن در بهبود کیفیت زندگی ساکنان محلی (مطالعه‌ی موردی: شهرهای فیروزآباد و صاحب در استان‌های لرستان و کردستان)، فصلنامه‌ی پژوهش‌های روستایی، دوره‌ی ۱، شماره‌ی ۱، صص. ۶۵-۳۳.

زرین‌کوب، عبدالحسین، ۱۳۷۷، تاریخ در ترازو، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران.

زندیه، مهدی؛ حصاری، پدram، ۱۳۹۱، تداوم معماری مسکن روستایی با انگیزه توسعه پایدار روستایی، مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳۸، صص. ۶۳-۷۲.

سرتیپی‌پور، محسن، ۱۳۸۸، آسیب‌شناسی معماری روستایی به سوی سکونتگاه مطلوب، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

سعیدی، عباس، ۱۳۸۲، روابط شهر و روستا و پیوندهای روستایی-شهری یک بررسی ادراکی، فصلنامه جغرافیا، سال اول، شماره ۱، صص. ۷۱-۹۱.

طالب، مهدی، ۱۳۷۶، مدیریت روستایی در ایران، انتشارات دانشگاه تهران.

لینچ، کوین، ۱۳۷۶، تئوری شکل خوب شهر، ترجمه حسین بحرینی، انتشارات دانشگاه تهران.

مطیعی لنگرودی، سیدحسین، ۱۳۸۲، برنامه‌ریزی روستایی با تأکید بر ایران، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد.

نجاززاده، محمد، ۱۳۹۱، تطبیق نظریات جهانی شدن فرهنگ در روستاها براساس شاخص‌های سبک زندگی؛ مطالعه موردی: دهستان برآن جنوبی شهرستان اصفهان، فصلنامه پژوهش‌های روستایی، سال سوم، شماره چهارم، صص. ۱۶۱-۱۸۸.

نوری زمان‌آبادی، سیده‌هدایت‌اله؛ امینی فسخودی، عباس، ۱۳۸۶، سهم توسعه کشاورزی در توسعه روستایی (مطالعه موردی: مناطق روستایی استان اصفهان)، علوم کشاورزی ایران، دوره ۳۸-۲، شماره ۲، صص. ۲۶۳-۲۷۵.

Allahyari, M.S., Alipour, H., Ghahremani Chbok, R., 2010, **Healthy Village Cooperative: An approach towards rural development**, Scientific Research and Essays Vol. 5 (19), PP. 2867-2874.

Anderson, J., 1945, **The One Good**, Australasian Journal of Psychology and Philosophy, 23:1-3, PP. 85-89.

Bakhshizadeh H., Hosseinpour M., Pahlevanzadeh F., 2011, **Rural ICT Interactive Planning in Ardabil Province: Sardabeh case Study**, Procedia Computer Science 3, PP. 254-259.

B. Barrios, E., 2008, **Infrastructure and Rural Development: Household Perceptions on Rural Development**, Progress in Planning, 70, PP. 1-44.

- Birkeland, J., 2012, **Design for Sustainability**, A Sourcebook of Integrated Ecological Solutions, Earthscan Publications.
- Boeije, H. R., 2010, **Analysis in Qualitative Research**, SAGE Publications.
- Bosworth, G., 2012, **Characterising Rural Businesses-Tales from the Paperman**, Journal of Rural Studies 28, PP. 499-506.
- Dawson, J., 2006, **How Eco-villages Can Grow Sustainable Local Economies**, Communities, 133, PP. 56-62.
- Daymon Ch., Holloway I., 2002**, Understanding, Managing, and Implementing Quality: Frameworks, Techniques and Cases, **Routledge**.
- Development Organizations Network (DONET), 2006, **National Seminar on Model Village**, 3 & 4 November 2006, India: Hyderabad.
- Duenckmann, F., 2010, **The Village in the Mind: Applying Q-methodology to Re-constructing Constructions of Rurality**, Journal of Rural Studies, Vol. 26, PP. 284–295.
- E. Keefe, S., 2009, **Participatory Development in Appalachia: Cultural Identity, Community, and Sustainability**, University of Tennessee Press.
- Empowerment Society International, 2008, **ESI Sustainable Village Model**, Duayee, Nimba County, Liberia. Published by the Empowerment Society International.
- Findhorn Foundation, 2005, **The Findhorn Eco-village New Frontiers for Sustainability**, Global eco-village Network (GEN), United Nations Department of Public Information.
- Gersmehl, Ph., 2008, **Teaching Geography**, Second Edition, Guilford Press.
- Gilman, R., 1991, **The Eco-village Challenge**, In Context, 29 (Summer), 10.
- Global Eco-village Network, 2012, **Eco-village Map**, (gen.ecovillage.org).
- Goulding, Ch., 2002, **Grounded Theory A Practical Guide for Management, Business and Market Researchers**, SAGE Publications.
- Jensen, M., 2007, **Defining Lifestyle**, Environmental Sciences, 4:2, PP. 63-73.
- Kriz, J., 2007, **Actualizing Tendency: The Link between Person-centered and Experiential Psychotherapy and Interdisciplinary Systems Theory**, Person-Centered and Experiential Psychotherapies, 6, PP. 30–44.

- Landmatters, 2008, **The Eco-village at Currumbin**, Landmatters (available at: <http://theecovillage.com.au/site/index.php/village/2/> (accessed on 12 December 2008).
- Lengen Ch., Kistemann T., 2012, **Sense of Place and Place Identity: Review of Neuroscientific Evidence**, *Health & Place* 18, PP. 1162–1171.
- Lynch, K., 1981, **Good City Form**, MIT Press, Cambridge Journal of Environmental Psychology (1982) 2, 259-273/Reviewed by Constance Perin, Transportation System Center, United States Department of Transport, Kendall Square, Cambridge, Massachusetts 02142, U.S.A.
- Nel, E., Binns, T., 2000, **Rural Self-reliance in South Africa: Community Initiatives and External Support in the Former Black Homelands**, *Journal of Rural Studies* 16, PP. 367-377.
- Sangameswaran, P., 2008, **Community Formation, 'Ideal' Villages and Watershed Development in Western India**, *Journal of Development Studies*, 44:3, PP. 384-408.
- Sargisson, L., 2007, **Religious Fundamentalism and Utopianism in the 21st Century**, *Journal of Political Ideologies*, 12:3, PP. 269-287
- Schoeman, F., 1985, **Aristotle on the Good of Friendship**, *Australasian Journal of Philosophy*, 63:3, PP. 269-282.
- Arifwidod, D., Chandrasiri, O., 2013, **The Relationship between Housing Tenure, Sense of Place and Environmental Management Practices: A case study of two private land rental communities in Bangkok, Thailand**, *Sustainable Cities and Society* xxx, In Press, Corrected Proof., xxx-xxx.
- Wilkinson, T.M., 1996, **Judging our own Good**, *Australasian Journal of Philosophy*, 74:3, PP. 488-494.